

تحلیلی بر ابعاد زیباشناختی آبریز شجاع بن منعه موصلی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۸

کد مقاله: ۴۶۴۶۵

محمد افروغ^۱

چکیده

هنر-صنعت فلزکاری شهر موصل، یکی از مهم‌ترین مکاتب فلزکاری در دوره اسلامی و به‌ویژه در قرن ششم و قرن هفتم هجری و در زمان فرمانروایی خاندان آل‌زنگی و به‌طور خاص، بدرالدین لؤلؤ مهم‌ترین حکمران این خاندان بود. هنرمندان و صنعت‌گران موصلی در این دوره توانستند با بهره‌گیری و تأثیرپذیری از فنون ساخت و تزئین آثار فلزی که از تمدن‌های گذشته و هم‌جوار نظیر تمدن ساسانی و تمدن‌های هم‌عصر، به‌ویژه تمدن درخشان سلجوقی و مکتب فلزکاری خراسان شده بود، بهترین آثار را با به-کارگیری خلاقیت و نوآوری در ساخت و تزئین با هویت بومی، فرهنگ و آداب موصل تولید کنند. از انواع تولیدات مشهور موصل می‌توان به آبریزهای ساخت این مکتب اشاره داشت که یکی از عمده‌ترین تولیدات در عرصه ساخت ظروف فلزی بوده است. آبریز شجاع بن منعه موصلی، یکی از برجسته‌ترین آبریزهای مکتب فلزکاری موصل است که به لحاظ فن‌شناختی و زیباشناختی و ارزش‌های جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی، می‌تواند منبع خوبی برای شناسایی جامعه و طبقه مردم موصل قرن هفتم هجری باشد. این آبریز با پیشرفته‌ترین فن ریخته‌گری ساخته و با کیفی‌ترین شیوه تزئین یعنی ترصیع‌کاری با نقره، آراسته شده است. روایت‌های نقش‌پردازی شده از نوع موضوعات رایج آن روزگار جامعه موصل (طبقه اشراف و فرودست) است. موضوعات کنده‌کاری‌شده بر بدنه آبریز عبارت است از: ورزش (کشتی)، موسیقی، رقص، شکار، نبرد و آرایش کردن می‌باشد. این مقاله از نوع بنیادین و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات هم کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: وصل، فلزکاری، آبریز، شجاع بن منعه موصلی.

۱. استادیار دانشگاه اراک، دانشکده هنر، گروه آموزشی فرش. (m-afrough@araku.ac.ir)

مکتب فلزکاری موصل و آثار تولیدی آن، یکی از مهم‌ترین منابع و مکاتب هنری است که با رصد آن می‌توان جامعه آن روزگار موصل - به‌عنوان یکی از مناطق تمدنی و قدیم در جهان به‌ویژه به‌لحاظ قرارگیری در کنار شهرهای باستانی هترا (پایتخت اشکانی) و مدائن (پایتخت ساسانی) - را مورد مطالعه، بررسی و تحلیل قرارداد. موصل یکی از شهرهایی که در تولید آثار هنری کاربردی به‌طور خاص فلز، در تمدن اسلامی شهره و سرآمد بود. شهر موصل در سال ۴۸۹ هـ/ ۱۰۹۶م به تصرف سلجوقیان درآمد و هنرها و پیشه‌های مختلف به‌دست آنان شکوفا شد. این شهر در ایام فرمانروایی حاکمان آل‌زنگی^۱ بین سال‌های ۵۱۶-۶۰۰ هجری قمری و به‌طور خاص در قرن هفتم به اوج درخشش خود در هنر رسید. آبریزها، یکی از مهم‌ترین محصولات فلزی و تولید کارگاه‌ها و مکاتب فلزی در تمدن‌های مختلف جغرافیای اسلام است که بنابر نقش و کاربرد، اهمیت به‌سزائی در جامعه زمان خود داشته است. موصل به‌عنوان یکی از قطب‌های مهم تولید آثار فلزی کاربردی در قرن ششم و هفتم و به‌ویژه در زمان حاکمیت آل‌زنگی، جایگاه ویژه‌ای در ساخت و عرضه آبریزهای مسی، مفرغی و برنجی و ترصیع کاری شده با طلا و نقره داشته است. شکل، عرصه و قدرت نقش‌پردازی و هم‌چنین شهرت و آوازه آبریزهای ترصیع کاری شده باعث شد تا در قالب هدیه و سفارش، دامنه حضور خود را تا جغرافیا و سرزمین‌های بسیار دور تثبیت بخشند و پس از گذشت قرن‌ها و طی کردن عمری دراز، امروزه زینت‌بخش موزه‌ها و مجموعه‌های بزرگ و معروف دنیا باشند. آبریز شجاع ابن منعه موصلی که به مشربه بلاکاز نیز معروف است، یکی از برجسته‌ترین محصولات و مصنوعات فلزی ساخت مکتب موصل است که نشان دهنده قدرت هنرمندانه و مهارت فلزکار موصلی در نقش‌پردازی و پرداخت مفاهیم زیباشناختی در قالب کنده‌کاری و ترصیع کاری موضوعات جامعه موصل به‌ویژه در قرن ششم و هفتم است. چه این که نگاره‌ها و موضوعات کنده‌کاری شده بر بدنه این آبریز خود نمود یک گزارش کامل از اوضاع و احوال جامعه آن زمان است. در این مقاله، آبریز یاد شده از منظر فن ساخت، شیوه تزئین، انواع تزئینات، موضوعات و محتوای تزئینات، مورد بررسی، توصیف و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲- پیشینه تحقیق

تحقیق و پژوهش پیرامون مکتب فلزکاری موصل و آثار تولیدی آن، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های ساخت مصنوعات فلزی در تمدن اسلامی، آن‌چنان که بایسته است، صورت نگرفته است. البته هنرپژوهان حوزه هنراسلامی آن‌سان که به بخش فلزکاری وارد شده‌اند، به اختصار و در حد صفحه و یا پاراگراف‌هایی، در ارتباط با فلزکاری و ساخت انواع آثار فلزی در موصل، سخن گفته و توصیف نموده‌اند که از آن جمله می‌توان به کتاب‌هایی تحت عنوان "هنراسلامی" اثر (هاگه‌دورن ۱۳۹۴، کونل ۱۳۸۵، ایروین، ۱۳۸۹، کنبی ۱۳۹۳، تالبوت رایس ۱۳۸۵، پلر و بلوم ۱۳۸۵)، اشاره داشت. اما به‌طور خاص، می‌توان به تحقیق جامع و کتاب "آثار فلزی مکتب موصل در عصر عباسی (العبيدي، ۱۳۹۰)"، تنها کتابی که به تفصیل از مکتب فلزکاری موصل از ابعاد و مناظر مختلف سخن گفته و هم‌چنین انواع آثار فلزی ساخت هنرمندان این دیار را معرفی و تحلیل نموده‌است، اشاره داشت. هم‌چنین مقاله با عنوان "پژوهشی در شیوه‌های ساخت و مضامین مکتب فلزکاری موصل مطالعه موردی: صندوقچه و شمعدان بدرالدین لؤلؤ (افروغ و قانی، ۱۳۹۲)" که در آن ضمن معرفی مکتب فلزکاری موصل، دو اثر از این مکتب مورد مطالعه، بررسی و تحلیل فن-شناختی و زیباشناختی قرار گرفته است. هم‌چنین مقاله "بررسی و تحلیل نقش و نگاره‌های آبریزهای موصل (مطالعه موردی: آبریز احمد زکی النقاش موصلی، آبریز یونس بن یوسف موصلی، آبریز قاسم بن علی موصلی، آبریز ابراهیم بن مولیالی موصلی)" (افروغ، ۱۳۹۵)، که در آن نویسنده به بررسی و تحلیل نقش و نگاره‌های آبریزهای مکتب فلزکاری موصل پرداخته است. هم‌چنین در مقاله "قرابت‌های ساختاری و مضمونی هنر فلزکاری مکتب خراسان و موصل (بررسی موردی شمعدان مفرغی نقره-کوب موزه ایران باستان و شمعدان ابوبکر حاج جلدک موصلی در موزه بوستون آمریکا)" (موسی‌پور و محمودی، ۱۳۹۵)، که در آن نویسندگان به بررسی ساختار و مضامین دو اثر از مکتب فلزکاری خراسان و موصل پرداخته‌اند. در مقاله پیش رو، آبریز شجاع بن منعه موصلی که یکی از شاخص‌ترین آثار موصلی است، مورد تحلیل و واکاوی قرار خواهد گرفت.

۱. اتابک، واژه‌ای است که دلالت بر نوعی از وظیفه و منصبی می‌کند. واژه‌ای است ترکی و مرکب از دو کلمه اتا به معنی پدر و بک به معنی امیر و سرهم به معنی پدر شاهزاده است. این لقب به مربیان فرزندان سلاطین سلجوقی داده می‌شد. اتابکان تا زمانی که شاهزاده کوچک به سن بلوغ می‌رسید به نیابت از آنان امور کشور را در دست داشتند و کم‌کم آن‌چنان قدرت یافتند که زمام مملکت به دست ایشان افتاد و فرزندان سلاطین هیچ قدرتی از خود نداشتند. (ن.ک: ابن اثیر، ۱۹۳۲ میلادی، البدایه و النهایه فی التاریخ، چاپخانه السعاده، قاهره، ج ۱۳ ص ۲۳۴). این در حالی است که برخی از پژوهش‌گران بر این باورند که آل زنگی تا سال ۶۵۳هـ/ ۱۲۵۵م که مغولان در آن سال موصل را اشغال کردند هم-چنان بر موصل حکومت می‌کردند.

۳- مکتب فلزکاری موصل و تأثیرپذیری از هنر فلزکاری ایرانی (ساسانی و سلجوقی)

هنر ساسانی نقش به‌سزا و انکارناپذیری در شکل‌گیری و توسعه هنر دوران بیزانس و اسلامی داشته است. «هنر ساسانی به‌طور عام و فلزکاری به‌طورخاص، سهم برجسته‌ای در تولید آثار فلزی دوره اسلامی و جغرافیای تمدن اسلامی به ویژه کانون‌های خراسان و موصل، هم در بُعد فنی و فنون ساخت، تزئین و هم در بُعد استفاده و بهره‌گیری و بازتاب عناصر، نقش‌مایه‌ها و مضامین تصویری داشته است» (افروغ، ۱۳۹۷: ۷۱). در واقع «می‌توان ادامه مضمون‌ها و نقش‌های ساسانی را شناخت که در تولید اشیاء هنری [فلزی] باعث شکوفایی هنر فلزکاری اسلامی بوده است. مضامین کهن ساسانی مانند شکار، شادخواری (می‌گساری)، نقش‌های اسلیمی، فردی (سلطان) نشسته بر تخت و هال ماه در دست و غیره، ادامه یافت» (فرای، ۱۳۶۳: ۱۹۷-۱۹۸). آثار و مصنوعات فلزی که «به‌شکل حیوانات و پرندگان ساخته شده‌اند، اگرچه بیش‌تر آن‌ها منسوب به ادوار اولیه اسلامی هستند ولی روح فنی ساسانی کاملاً در آن‌ها تجلی می‌کند» (محمدحسن، ۱۳۶۶: ۲۵۵). در واقع آثار فلزی اسلامی چه در قرون نخستین و چه در دوران سلجوقی، در بُعد فنی و زیبایی‌شناختی از آثار فلزی ساسانی الگوبرداری گشته است. ضمن این‌که آثار فلزی موصل نیز از این الگوبرداری و تأثیرپذیری مستثنی نبوده و بسیاری از نقوش دوران ساسانی هم‌چون سلطان نشسته بر تخت و ملازمان در دو طرف، پرندگان و حیوانات در طرفین درخت زندگی (مقدس)، نقوش مربوط به شکار و بسیاری نقوش دیگر، همه برگرفته از الگوهای ساسانی است.

۴- مکتب فلزکاری موصل و تأثیر آن بر مکاتب فلزکاری شام، مصر، شمال آفریقا، اندلس،

ونیز و سیسیل

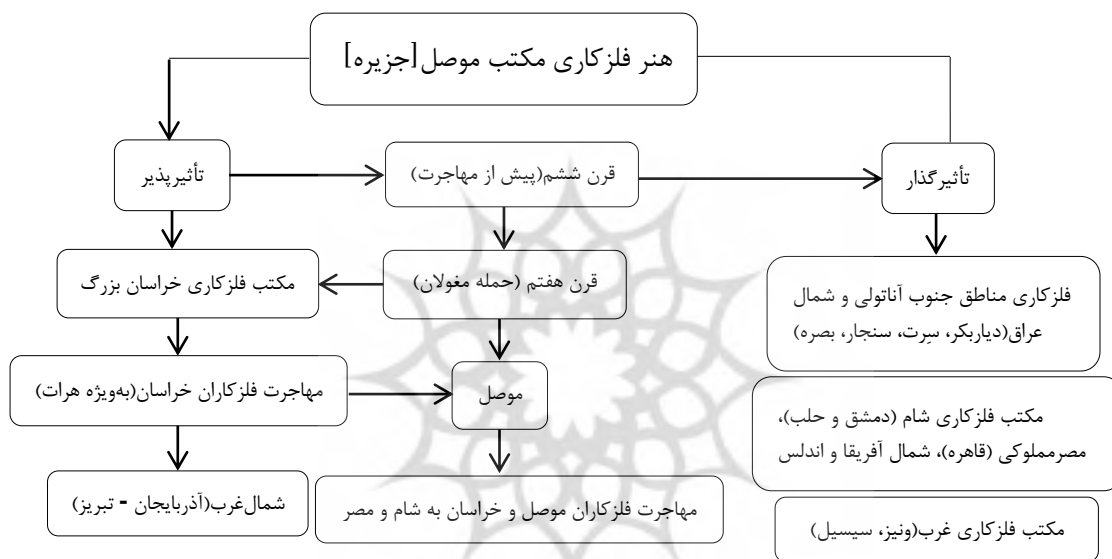
با یورش و استقرار ترکان سلجوقیان به ایران و سپس آسیای صغیر در سال ۱۰۷۱م و تسلط بر این جغرافیا، حاکمیت سلجوقیان آغاز شد. در شمال بغداد، حکومت‌های محلی کوچک متعددی هم‌چون اتابکان زنگی^۱ در موصل بوجود آمد که نمونه بارزی از شکوه و جلال آن سلطان‌نشین‌ها بود. که اغلب حاکمان آن دوست‌داران هنر بودند و بواسطه حمایت آن‌ها، مکاتب هنری به‌طورخاص کارگاه‌های فلزکاری، رواج برجسته‌ای یافت (هاگه‌دورن، ۱۳۹۴، ۱۱۴). در دوران اتابک بدرالدین لؤلؤ (۱۲۵۹-۱۲۳۴م) حاکم موصل، مکتب مهمی در رشته فلزکاری احداث شد که ضمن داشتن هویت، ویژگی‌ها و شاخص‌های خاص خود، از حیث فنون ساخت و ابعاد هنری، از مضامین و سنت‌های تصویری ساسانی هم به‌طور مستقیم و هم با واسطه - از طریق فلزکاری خراسان که خود استمرار و دنباله‌رو هنر ساسانی است - تأثیر و الگوپذیری داشته است. «دوره رونق آثار فلزی شهر موصل در ایام فرمانروایی بدرالدین لؤلؤ، بر موصل و سرزمین‌های اطراف آن بوده است» (تالیوت رایس، ۱۳۸۴، ۱۱۰). مکتب فلزکاری موصل «دارای اسلوب ویژه‌ای است که ویژگی عمده آن عبارت است از استفاده از تصاویر انسان، جانداران، صحنه‌های گوناگون شکار و زیاده‌روی در به کار بردن نقره در ترصیع کاری است» (lane pool, 1886, p. 45).

فلزکاری موصل، هنر شاخصی است که از طریق پیوند و به‌کارگیری فنون، حجم، سبک و شیوه ساخت و تزئین آثار فلزی در ایران (فلزکاری ساسانی و خراسان عصر سلجوقی) - که خود نیز به‌نوعی جزئی از آن و تحت نفوذ آن بود -، توانست به مکتبی شاخص و صاحب تشخیص منحصر به فرد و متمایز از سایر مکاتب فلزکاری هم‌عصر و حتا پیش از خود تبدیل شود و بر کانون‌های فلزکاری سایر جغرافیای جهان اسلام هم‌چون مناطق پیرامون موصل شامل جنوب آناتولی (دیاربکر، سرت، سنجار)، شام، مصر، شمال آفریقا، اندلس) و غرب (ونیز، سیسیل) تأثیر بسزایی بگذارد. چه این‌که این تأثیر و تقلید بعد از حمله مغولان به خراسان و موصل و مهاجرت فلزکاران این شهرها به مناطق یاد شده به‌ویژه شام و مصر دو چندان شد. «از نمونه‌های مشهوری که در دست داریم، روشن می‌شود که هنر ترصیع آثار فلزی از موصل به دمشق و از آن‌جا به قاره انتقال یافته است. این امر به‌دست فلزکاران موصل صورت پذیرفته که به این دو شهر مهاجرت نمودند. تا آن‌جا که این هنر در شهر قاهره بازار ویژه‌ای را به خود اختصاص داد. این هنر - صنعت به اروپای قرون وسطی (سده‌های میانه) انتقال یافت. به‌گونه‌ای که فلزکاران اروپایی به‌ویژه فلزکاران ونیز به تقلید از این صنعت روی آوردند و از تعدادی از سازندگان این آثار پُربار دعوت کردند که به ونیز بروند و اهالی آن‌جا را در ساخت

۱. اتابک، کلمه‌ای است که دلالت بر نوعی از وظیفه و منصبی می‌کند. واژه‌ای است ترکی و مرکب از دو کلمه اتا به معنی پدر و یک به معنی امیر و سرهم به معنی پدر شاهزاده است. این لقب به مریدان فرزندان سلاطین سلجوقی داده می‌شد. اتابکان تا زمانی که شاهزاده کوچک به سن بلوغ می‌رسید به نیابت از آنان امور کشور را در دست داشتند و کم‌کم آن‌چنان قدرت یافتند که زمام مملکت به دست ایشان افتاد و فرزندان سلاطین هیچ قدرتی از خود نداشتند. ن. ک: ابن اثیر، ۱۹۳۲ میلادی، البدایه و النهایه فی التاریخ، چاپخانه ی السعاده، قاهره، ج ۱۳ ص ۲۳۴). این در حالی است که برخی از پژوهش‌گران بر این باورند که آل‌زنگی تا سال ۱۲۵۵هـ/ ۱۲۵۵م که مغولان در آن سال موصل را اشغال کردند هم‌چنان بر موصل حکومت می‌کردند. درخشان‌ترین دوره حکومت سلجوقیان در شهر موصل، ایام فرمانروایی اتابک زنگی بود، که بین سالهای ۶۰۰ تا ۵۱۶ هجری حکومت کرد. از ویژگی‌های بارز اتابکان آل زنگی در موصل و به‌ویژه در دوران بدرالدین لؤلؤ، توجه به انواع صنایع، فنون و انواع هنرها به ویژه هنر - صنعت فلزکاری بود. این اهتمام در مهارت صنعت‌گران در اشکال مختلف هنر فلزکاری و تزئینات آن جلوه‌گر شد.

۲. مورخ معروف مصری المقربزی در ارتباط با بازار ترصیع کاری می‌نویسد: این بازار شامل چند مغازه ترصیع کاری است. یعنی دکان و مغازه‌هایی که ظروف مسین را با طلا و نقره خاتم‌کاری می‌کنند. ن. ک به المقربزی، الخطط و الآثار فی المصر و القاهره انتشارات دارالطباعه مصریه، بولاق، سال ۱۲۷۰ هجری، ج ۲، صفحه ۱۰۵.

چنین اثری یاری دهند. به طوری که از پیوند و تلفیق مکتب فلزکاری موصل و سلیقه ایتالیایی، مکتبی پا به عرصه وجود گذاشت که به مکتب شرقی ونیز معروف است^۱ (العبدی، ۱۳۹۰، ۲۰۰). استنلی لین پول^۲ و گاستون میگون^۳ از تأثیر فلزکاری موصل بر دیگر حوزه‌ها همچون شام و مصر یاد می‌کنند و معتقداند: «مکتب فلزکاری موصل دارای اسلوب ویژه‌ای است که ویژگی عمده آن عبارت است از تصاویر انسان، جانداران، صحنه‌های گوناگون شکار و زیاده‌روی در به کار بردن نقره در ترصیع کاری. این مکتب تأثیر بسزایی در مکاتب فلزی شام و مصر داشته است» (پیشین، ۱۵). مکتب فلزکاری موصل «تأثیر زیادی در صنعت فلزکاری در سایر کشورهای اسلامی گذاشت و عده‌ای از هنرمندان این شهر به قاهره، حلب، بغداد و دمشق مهاجرت کردند و این سبک روش را نضج دادند» (شیرازی، ۱۳۶۲، ۱۷۲). همچنین دوگلاس باریت^۴ در پژوهش خود در زمینه آثار فلزکاری اسلامی که به سفارش موزه بریتانیا انجام شده است، به اهمیت شهر موصل به عنوان یکی از مراکز فلزکاری و نیز تأثیر آثار فلزی موصل بر آثار فلزی و نفیس سوریه و مصر، پرداخته است. در بررسی هنر فلزکاری موصل می‌بایست به دو سطح تأثیرپذیری و تأثیرگذاری اشاره داشت. در یک سطح تأثیرپذیری و الگوبرداری از سنت فنی و هنری فلزکاری ساسانی به طور غیرمستقیم و هنر فلزکاری مکتب خراسان بزرگ (هرات و مشهد) به صورت مستقیم تا پیش از حمله مغولان به ایران و عراق [موصل]. همچنین تأثیرگذاری بر مکاتب فلزکاری تمدن اسلامی شامل کانون‌های فلزکاری شام (دمشق و حلب)، مصر (قاهره)، شمال آفریقا و اندلس و مکاتب فلزکاری تمدن غربی^۵ شامل هنر فلزکاری ونیز و سیسیل، (تصویر ۱).



تصویر ۱: تأثیرپذیری مکتب فلزکاری موصل از سنت فلزکاری ساسانی (غیرمستقیم) و مکتب فلزکاری خراسان (هرات) و تأثیرگذاری بر مکاتب فلزکاری تمدن اسلامی (شام، مصر، جنوب آناتولی، شمال آفریقا، اندلس) و غرب (ونیز، سیسیل) (منبع: پژوهش‌گر)

۵- تولیدات و شیوه‌های ساخت آثار موصلی

در مکتب فلزکاری موصل، آثار مختلف و متنوع کاربردی جهت استفاده و کاربرد روزانه استفاده می‌شد. برخی از این وسایل عبارت است از: آبریز، شمعدان، جوهردان (مرکب‌دان)، بخوردان، پی‌سوز، تشت (لگن)، کاسه، سینی، گلدان، صندوقچه، ابزارآلات نجومی هم‌چون اسطرلاب، ساعت آفتابی، ابزارآلات جنگی و غیره. روش‌های ساخت و شکلی دهی آثار فلزی در موصل از شیوه‌های معمول و رایج دوران ساسانی بهره‌گیری شد. ضمن این که پیشرفت، خلاقیت و نوآوری در این روش‌ها به سطح بسیار بالایی رسید. «اعراب مسلمان از هنرها و صنایع گوناگون ملل تحت حکومتشان به ویژه ایران استفاده کردند. در ایران و عراق به خصوص شهر موصل در زمینه ساخت آثار فلزی، همان روش‌های فلزی زمان ساسانیان دنبال شد» (العبدی، ۱۹۷۰، ۲۲). آثار فلزی در جهان

۱. کریستی، تراث الاسلام (میراث اسلام)، ترجمه زکی محمدحسن، ج ۲، صفحه ۳۳.

2. Stanley Lin Pool.

3. Gaston Migeon.

4. Douglas Barrett. *Islamic Metalwork in the British Museum. Trustees of the British Museum. London. 1979.*

۵. برای اطلاع از این تأثیر رجوع شو به: ابوالقاسم دادور و نگار زجاجی، ۱۳۹۴، مطالعه تأثیرات فلزکاری سلجوقی در قرن پنجم هجری بر فلزکاری غرب سده‌های میانه، دوفصل‌نامه علمی ترویجی جلوه هنر، شماره ۱۴، صص ۸۸-۷۹

۶. این واژه در زبان عربی ابریق نام دارد. در برخی از منابع مکتوب نیز همین واژه به کار رفته است. پسندیده آن است که واژه آبریز استفاده شود.

اسلام و به‌طور خاص موصل، به روش چکش‌کاری و به‌طور غالب ریخته‌گری و قالب‌گیری، که در دوره اسلامی به پیشرفت شایانی نائل آمد، تولید می‌شد. «فن ریخته‌گری و قالب‌گیری در ساخته‌های فلزی فنی است که از روزگار باستان، صنعت‌گران با آن آشنا بوده و در دوران اسلامی هنرمند فلزکار با تجربه و خلاقیت خویش آن‌را به درجه دقت و ظرافت رسانید» (بیانی، ۱۳۸۲، ۶۲). فن ریخته‌گری روشی است «سریع و کارآمد برای بازآفرینی اشیاء و مورد پسندترین روش ریخته‌گری روش قالب‌گیری و ریخته‌گری با موم است» (ward, 1993, p.31).

۶- ترصیع کاری: مهم‌ترین و برجسته‌ترین فن در تزئین آثار موصلی

در فرآیند تولید و تزئین آثار فلزی در موصل، به جرأت می‌توان گفت مهم‌ترین بخش، مرحله شیوه نقش‌اندازی بر روی آثار بوده‌است. در فلزکاری موصل انواع فنون جهت ایجاد و کنده‌کاری انواع نقش‌ها و تزئینات به کار می‌رفته که مهم‌ترین و برجسته‌ترین آنها فن ترصیع کاری بوده‌است. ترصیع کاری یا فلزکوبی یا خاتم‌کاری فلز، عبارت است از: قرارگیری و کوبیدن فلزاتی نظیر طلا یا نقره در زمینه مس، برنج یا مفرغ و ایجاد انواع نقش‌ها، طرح‌ها یا روایت به‌واسطه فلزات یاد شده. ترصیع کاری تولیدات موصل در دنیای آن روز شهره خاص و عام بود. این شیوه با ظرافت و دقت هر چه تمام در آثار موصلی به‌کار گرفته شد و سپس هنرمندان مناطق سوریه (شام و حلب) و مصر (قاهره) که البته پیش‌تر مهاجران خراسانی ساکن موصل و یا هنرمندان بومی موصل بودند، این فن را بر تولیدات خود پیاده کردند. ترصیع کاری یا فلزکوبی «روش است برای تزئین فلزات که در آن، نقش یا طرح مورد نظر را بر روی سطح شیء نقش و حکاکی کرده سپس محل طرح را با قلم، گود و خالی کرده سپس محل کنده‌کاری شده را با ماده دیگری مانند نقره و مس و یا طلا پُر کرده و آن را چکش‌کاری می‌کردند. در مرحله نهایی با تیز کردن آتش، آن‌را مسطح کرده به‌گونه‌ای که شیء یک تکه به نظر می‌رسید و سپس با سنگ عقیق یا ششم آن را صیقل می‌دادند» (العبدی، ۱۹۷۰، ۱۹۵ / حمزه لو، ۱۳۸۳، ۴۷). منظور از ترصیع کاری به‌طور کلی «ایجاد یک نوع تضاد در رنگ‌ها و ایجاد سایه روشن است که صنعت‌گران و هنرمندان فلزکار آن‌را به بهترین نحو بر روی اشیاء فلزی ایجاد می‌کردند» (بیانی، ۱۳۸۲، ۶۴). هنرمندان موصلی در دوران رونق هنر فلزکاری در این شهر توانستند انواع گوناگون موضوعات تزئین را توسط این تکنیک به‌طور گسترده و عمده در اشیاء تولیدی پیاده کنند. فن ترصیع کاری «ارزش کالاها و ظروف برنجی موصل را درست مانند خراسان افزایش داد، همچنین بسیاری از موضوعات تزئین در هنر و فلزکاری ایران (مکتب فلزکاری خراسان) مانند صحنه‌هایی هم‌چون شکار (بهرام گور و آزاده در شکل ۱) و نقش نمادین بهرام در شکل ۲ که در یک دست تبر و در دست دیگر سر بریده دارد)، طالع بینی، تاج‌گذاری، نبرد و صحنه‌های زندگی روزمره و غیره به حوزه تزئین فلزکاری موصل راه یافت» (Ward, 1993, p.80). هر چند فلزکاران موصل از فن ترصیع کاری خراسان تقلید و الگوبرداری می‌کردند، اما بیش‌تر شکل‌ها و موضوعات آثار حاصل خلاقیت و نوآوری و از یک مجموعه آثار و گنجینه ملی طراحی می‌شدند. از دیگر فنون به‌کار رفته در آثار فلزی موصل که به‌ندرت استفاده شده‌است می‌توان به مشبک‌کاری^۱، سیاه‌قلم^۲، ملیله‌کاری^۳، فیروزه‌کوبی^۴، گوژکاری^۵، اشاره داشت.

۷- انواع تزئینات و موضوع تزئینات آثار موصل

با بررسی تزئینات موجود و به‌کار رفته در آثار موصل، می‌توان گفت به‌طور کلی چهار نوع تزئین در آثار موصل وجود دارد که عبارت است از: تزئینات جانوری شامل نقوش حیوانی و پرندگان، تزئینات انسانی، هندسی، گیاهی، کتیبه‌ای یا نوشتاری. تزئینات یاد شده بر سطح و بدنه آثار غالباً در فضای نوارهای افقی که هم‌چون کمربند بدنه فلزی را محیط کرده است و یا درون ترنج‌هایی پنج، هشت و یا دوازده پَر کنده‌کاری شده‌است. هنرمند هوشمندان و با رعایت تناسب ریاضی، فضاهای مناسب و متناسبی را جهت آفرینش، به‌وجود آورده‌است. موضوع تزئینات به‌طور عمده شامل موسیقی، رقص، بادنوشی، شکار، نبرد، موضوعات درباری و گفتگوهای دو نفره، می‌باشد.

۱. مجوف و توخالی کردن قسمتهایی از ظرف را مشبک کردن می‌گویند. هم‌چون عودسوزها، بخوردان‌ها و پایه شمعدان‌های مشبک شده موصل.
۲. سیاه‌قلم: غیر از فن فلزکوبی یا ترصیع کاری روش تزئینی سیاه‌قلم نیز در انواع اشیاء به‌کار رفته است که مقصود از انجام آن ایجاد سایه روشن در سطح یکنواخت فلزات بوده است. در این روش هم‌چون ترصیع ابتدا سطح روی اشیاء با نقوش مورد نظر کنده‌کاری می‌شد و سپس ترکیبی از سولفات سیاه (مس+نقره+سرب) بر روی قسمت‌های کنده‌کاری شده ریخته می‌شد تا نقوش تزئینی را با سایه‌های تیره‌تر خود از قسمت‌های روشن بدنه ظرف متمایز سازد و به این ترتیب با ایجاد تضاد در رنگ‌ها هم قسمت‌های تزئینی را مشخص ساخته باشند و هم سطح بدنه شیء فلزی را از یکنواختی خارج نمایند.
۳. قرارگیری مقبول‌های باریک و ظریف مس، نقره و یا طلا در شیارهای ایجاد شده بر سطح فلز و خلق مجموعه‌ای از خطوط موازی، دایره، هاشور، نقطه چین و ...
۴. به‌کار بردن سنگ‌های فیروزه بر روی اشیاء فلزی به خصوص مس را فیروزه‌کوبی می‌گویند.
۵. گوژکاری یعنی برجسته‌سازی سطح اشیاء از طریق چکش‌کوبی از پشت.

۸- آبریز شجاع بن منعه موصلی

آبریز شجاع بن منعه موصلی (تصویر ۲) که به «مشربه بلاکاز» (وارد، ۱۳۸۴، ۸۰)، نیز مشهور است، اثری است که توسط هنرمند فلزکار موصلی، شجاع بن منعه موصلی و در کارگاه وی که به گفته وارد «یکی از مهم‌ترین و بهترین کارگاه‌های شهر موصل بوده» (ward, 1993, p.79) ساخته شده است. نام هنرمند بر گردن آبریز، در نوار پنجم، با خط نسخ ابتدایی، نقره‌کوبی شده است (تصویر ۳). مختصات این آبریز در جدول ۱، آمده است. «تزئینات و کتیبه‌های این آبریز ترکیبی از مس و نقره است، شکل آن هشت ضلعی و به شکل گلابی است که «برای شکل‌گیری و ایجاد بدنه بُرش خورده‌ی پَخ‌دار، چکش‌کاری و حکاکی گشته و با نقره و مس مرصع‌کاری شده است» (وارد، ۱۳۸۴، ۸۰). متأسفانه این آبریز بدون لوله بوده و به احتمال زیاد، لوله آن راست و مستقیم بوده است از این‌که لوله راست، ویژگی و صفت غالب آبریزهای ساخت موصل است» (العبيدی، ۱۳۹۰، ۶۵). شیلدر. کنبی درباره این آبریز معتقد است: «این آبریز با وجود این‌که لوله و پوشش آن از بین رفته مدرک بسیار مهمی در بررسی فلزکاری مرصع موصل است. این آبریز با تصویر باده‌نوشان تزئین شده اما به‌نظر می‌رسد از آن برای ریختن آب استفاده می‌شد. چون فلز برنج تأثیر نامطلوبی بر نوشیدنی دارد» (کنبی، ۱۳۹۳، ۸۹).



تصویر ۲: آبریز شجاع ابن منعه موصلی (منبع: موزه بریتانیا)

تزئینات و موضوع آن‌ها در دوازده نوار افقی بر بدنه آبریز حکاکی و کنده‌کاری و نهایتاً ترصع‌کاری شده است. نقش‌پردازی و ارائه موضوعات متنوع بر بدنه این آبریز هم‌چون سایر آثار فلزی مکتب موصل، در قالب نوارهای افقی، صورت گرفته است. درون هر نوار ترنج‌هایی چهارپرگونه و یا هشت‌پر که روایت‌کننده موضوعات مختلف و متنوع است، هشت ضلعی‌های منظم و دایره‌هایی با نقش‌های هندسی (T، Z، Y) شکل بر زمینه‌ای عمدتاً از نقش‌مایه (T) شکل بهم فشرده، وجود دارد. متأسفانه برخی از نقش‌های ترصیع‌کاری شده بر زمینه اثر و درون ترنج‌ها، از بین رفته است، از این رو خوانش برخی از ترنج‌ها غیرممکن است. هم‌چنین دور تا دور لبه آبریز به مرور زمان دچار خوردگی و ساییدگی شده و از بین رفته است. تحلیل و توصیف آبریز حاضر شامل دو بخش تزئینات گردن و بدنه است.

جدول ۱: مختصات آبریز شجاع ابن منعه موصلی (منبع: پژوهش‌گر)

نام اثر	تاریخ تولید	جنس	ارتفاع و قطر	شیوه ساخت	شیوه تزئین	محل نگهداری	تصویر
آبریز شجاع ابن منعه موصلی	۱۲۳۲ میلادی ۶۲۹ هجری	آلیاژ برنج	ارتفاع ۲۹ سانتی‌متر و قطر قاعده پائین ۱۴ سانتی‌متر	ریخته‌گری و چکش‌کاری	ترصیع‌کاری (فلزکوبی، خاتم‌کاری) شده با نقره و مس	موزه ویکتوریا و آلبرت لندن شماره: ۵-۲۶-۱۲	



تصویر ۳: بخشی از نوار پنجم، نام هنرمند، ترصیع‌کاری شده با نقره

۸-۱- گردن آبریز

طول گردن آبریز ۱۳ و قطر دهانه آن ۶ سانتی‌متر است. در بالاترین بخش از آبریز، نوار نخستین از لبه تا قسمت زیر دسته قرار دارد. در این نوار هشت دایره متوالی با نقش هندسی بر زمینه‌ای از تزئین گیاهی و در میان بافتی از پیچک‌های اسلیمی و ختایی کنده‌کاری شده است.

از انتهای نوار نخست تا حلقه‌ای که در بخش انتهایی گردن قرار دارد، نوارهای دوم، سوم و چهارم نقش‌پردازی و ترصیع‌کاری شده است. نوار دوم نیز شامل ردیفی از دایره‌هایی با شکل هندسی متراکم (Z) شکل است که در میان پیچک‌های گیاهی، گل و برگ‌های نقره‌گون و نسبتاً غریب، محاط و نقش‌پردازی شده است. در این نوار کتیبه‌ای با مضمون "العز السالم و العز الدائم - سرفرازی سالم و جاودانه" کنده‌کاری شده است. هم‌چنین بین این نوار و نوار شماره ۳، ردیفی از رشته‌های مرورید که از نقش-مایه‌های رایج در هنر ساسانی است، حکاکی و کنده‌کاری شده است.

در اغلب آثار فلزی دوران اسلامی به‌ویژه در مکتب فلزکاری خراسان و موصل، نقش‌مایه رشته‌های مرواریدهای ساسانی دیده می‌شود. نوار سوم که دارای زمینه بافتی نقش‌دار است، نسبت به دیگر نوارها کمی پهن‌تر می‌نماید. این نوار با نقش‌مایه (T) شکل،

بافتی زیبا را نمایانده و بر زیبایی ساق گردن افزوده است. در این نوار تعداد هشت ترح هشت پر و متصل بهم که در زمینه آن‌ها افرادی هر یک در حالت‌های مختلف حکاکی و نقش‌اندازی شده‌است. یکی دف و دیگری سرگرم نوازندگی عود و نی هستند، یکی نیز مشغول رقص و پایکوبی است در حالی که دیگری پیاله‌ای از شراب در دست دارد و مشغول باده‌گساری است. از جمله موضوعات منحصر به فرد این آبریز، نقش میمونی است که روی پاهای عقبش هم چون انسانی ایستاده قرار گرفته است. هم‌چنین افراد نشسته، از رایج‌ترین روایت‌ها و صحنه‌های نقش‌اندازی شده بر بدنه آثار فلزی موصل است و این موضوعات در ترح‌های این نوار در تصویر ۴، به خوبی مشاهده می‌شود. بعد از خاتمه نوار شماره سه، رشته وردیفی از مرواریدهای ساسانی به‌عنوان جداکننده نوارها، ترصیع‌کاری شده‌است. نوار شماره چهار از نظر پهنا (عرض) و محتوای تزئینات، شبیه نوار شماره دو است. تزئینات گیاهی زمینه نوار را شکل داده و به‌فواصل مساوی دایره‌های با زمینه نقش‌مایه (Z)، تریع‌کاری شده‌است. ضمن این‌که مضمون کتیبه نوار دوم نیز در این‌جا تکرار شده‌است. در پائین نوار شماره چهار، گردن به حلقه برجسته‌ای آراسته شده‌است. این حلقه، گردن را به دو بخش (بخش نخست شامل نوارهای یک تا چهار و بخش دوم شامل نوارهای پنجم و ششم)، تقسیم کرده‌است. نوار پنجم شامل کتیبه اثر به خط نسخ با پهنای ۱/۸ سانتی‌متر در زمینه‌ای از تزئینات گیاهی نقش‌پردازی شده‌است. این کتیبه میان دو نوار باریک و مزین به مرواریدهای ساسانی قرار دارد. متن کتیبه چنین است: «نقش شجاع بن منعه موصلی فی الشهر الله مبارک، شهر رجب فی سنه تسع و عشرون [عشرین] و ستمائه بالموصل. یعنی، ساخته و تزئین شده توسط شجاع بن منعه موصلی در ماه رجب در سال ۱۲۵۱ میلادی/۶۲۹ هجری قمری در شهر موصل» (العبدی، ۱۳۹۰، ۶۶) که به صراحت بیان می‌دارد که در موصل ساخته شده‌است. «از میان آثار موصلی و منتسب به این شهر» این تنها اثری است که نام موصل به‌عنوان محل ساخت آن بر بدنه آن حک شده - است» (پیشین) (تصویر ۵).



تصویر ۴: بخشی از ترح‌های نوار سوم با موضوع نوازندگی، باده‌گساری، رقص (منبع: موزه ویکتوریا و آلبرت لندن)

نقش هلال ماه در سکه‌های ساسانی و ترح‌های نوار سوم

تصویر ۵: کتیبه نوار پنج شامل تاریخ و محل ساخت و نام سازنده (منبع: العبدی، ۱۳۹۰، ۶۶)

پس از نوار پنجم، بلافاصله یک رشته مروارید ساسانی نقش‌پردازی شده و سپس نوار ششم آغاز می‌گردد. منطقه‌ای که اندکی از سطح کتف یا شانه آبریز برجسته‌تر است. در هر نگاره شخصی دستار به سر و چهارزانو نشسته بیش‌تر مساحت نگاره را به خود اختصاص داده‌است. این نوار نیز هم‌چون نوار شماره ۳، روایت‌کننده صحنه‌های رایج در آثار موصلی است. «گاهی یک موضوع بیش از یک بار در نگاره‌های چهارپر تکرار شده‌است. در این صحنه‌ها شخصی عود می‌نوازد و دیگری قرص دایره‌ای شکل در اطراف صورتش وجود دارد در حالی که در نگاره دیگری شخصی چهار زانو و نقش هلالی را در میان دستانش دارد» (پیشین، ۷۵) (تصویر ۶). برخی از صاحب نظران هم‌چون دیماند به این نتیجه رسیدند که تصویر مذکور یعنی نقش هلال ماه شعار یا نشان یکی

۱. در ارتباط با این نقش، نظریات متفاوتی وجود دارد. از جمله این‌که «تصویر مذکور یعنی نقش هلال ماه شعار یکی از افراد آل‌زنگی بوده‌است. یا اشاره به بدرالدین لؤلؤ دارد» (دیماند، الفنون الاسلامیه، ص ۱۵۳). که این نظر از سوی رایس رد می‌شود (نک: العبدی، آثار فلزی مکتب موصل در عصر عباسی، ص ۷۶). از این‌رو که این نماد در دو اثر فلزی در زمان بدرالدین لؤلؤ دیده می‌شود. یکی روی این آبریز و دیگری روی یک سینی متعلق به او که در موزه مونیخ نگهداری می‌شود (Rice, Inlaid brasses from al - Dhaki, p.321). افراد دیگری هم‌چون دکتر زکی محمد حسن براین باورند که این نقش احتمالاً نشان و شعار خود شهر موصل بوده‌است (محمدحسن، ۱۹۴۸، ۵۴۲) و برای اثبات دلیل خود به وجود همین نقش بر روی چند نوع سکه استناد می‌کنند که به عصر بدرالدین لؤلؤ بر می‌گردد. همین نقش را نیز بر روی قلعه سنجان یافته اند (Friedrich, 1911, p. 115) اما این نظریه هیچ پایه و اساسی ندارد چون هیچ یک از منابع تاریخی هرگز اشاره نکرده‌اند که شهر موصل دارای نشان و نماد مشخصی بوده‌است. و به باور رایس که اشاره شد، شاید وجود این نقش بر روی دروازه قلعه سنجان، به خاطر جلوگیری از چشم زخم بوده‌باشد. به‌طور کلی وجود نقش یاد شده بر روی آثار فلزی شاید بیان‌گر یکی از برج‌های فلکی باشد که همان برج قمر یا ماه باشد (العبدی، ۱۹۷۰، ۷۷).

از افراد آل زنگی بوده است که در هنگام منصوب شدن او از طرف سلطان برای خود بر می‌گزید و انتخاب می‌کرد، لذا ماه شب چهارده لقب بدرالدین لؤلؤ بوده و به احتمال زیاد چون این نقش بر روی آبریز و سینی بدرالدین لؤلؤ که در موزه مونیخ نگهداری می‌شود، بوده. بنابراین اشاره به بدرالدین لؤلؤ دارد (دیماند، ۱۹۵۸، ۱۵۳). اما رایس این نظر را به دلایل زیر رد می‌کند. ۱. لقب افتخاری بدرالدین لؤلؤ ماه شب چهارده بوده است نه ماه در حالت هلال، ۲. این نقش بر روی سکه‌های قبل از بدرالدین و سکه‌های دوران خود او نیز ضرب شده است و اهدافی شبیه به سحر و جادو دارد (Rice, 1953, p.321). نظر رایس صحیح به نظر می‌رسد چرا که نماد یاد شده نقش یا نشان هیچ یک از افراد خانواده زنگی یا بدرالدین لؤلؤ نبوده است. چون همین نماد بر روی سکه‌ای که در موصل ضرب شده، پیدا شده بود که متعلق به سه تن از فرمانروایان موصل بوده که در دوره‌های مختلفی بر این شهر حکومت کرده‌اند. همین نقش بر سکه‌ای (تصویر ۷) پیدا شده که تاریخ ضرب آن سال ۱۱۶۳ م / ۵۸۵ هـ در دوران حاکمیت مسعود بن مودود بر موصل و نیز بر درب دایره‌ای از جنس برنج (تصویر ۸) که مربوط به موصل و اوایل قرن هفتم هجری است، دیده می‌شود. لین پول از سکه دیگری که نام ناصرالدین محمود را بر خود دارد، نام می‌برد که دارای این نقش است. این سکه نیز در سال ۱۲۲۵ م / ۶۲۲ هـ در موصل ضرب شده است (Lane pool, 1886, 234). همین نقش بر سکه دیگری پیدا شده که به بدرالدین لؤلؤ بر می‌گردد (العبدی، ۱۳۹۰، ۷۶). لذا به دور از عقل است که سه فرمانروا همان نقش یا نشان یا شعار را برای خود برگزیده باشند. از دیگر صحنه‌ها می‌توان به صحنه رقص و موسیقی (نوازندگان سازهای مختلف)، جام شراب در دست و باده‌نوشی، یاد کرد.



تصویر ۶: شخصی چهار زانو نشسته و نقش هلال ماه در دست (منبع: پیشین، ۷۵)
 تصویر ۷: سکه سلطان عزالدین مسعود اول بن مودود از سلاطین آل زنگی با نقش هلال ماه را در دست دارد (منبع: www.davidmus.dk/en/collections/islamic/dynasties/late-abbasids)



تصویر ۸: درب برنجی، ترصیح کاری شده با طلا و نقره، موصل، اوایل قرن هفتم هجری با نقش مردی (سلطان) نشسته با هلال ماه در دست (منبع: www.davidmus.dk/en/collections/islamic/dynasties/late-abbasids)

۸-۲- دسته آبریز

دسته آبریز نیز مزین به نقوش گیاهی و گل و بوته‌های انتزاعی است. «بر دسته این آبریز تزئینات مختلفی وجود دارد که اساس آن شاخه‌های گیاهی و اشکال هندسی و خطی ساده است و در پائین این دسته نوار باریکی وجود دارد که کتیبه‌ای با خط نسخ با این مضمون بر آن وجود دارد: الدوله و العافیة لصاحبہ، یعنی بخت و بهروزی از آن صاحب این آبریز باد» (پیشین، ۷۸).

۸-۳- بدنه آبریز - راوی صحنه‌های مختلف زندگی

بدنه آبریز از بخش انتهایی گردن و بعد از نوار ششم، آغاز می‌شود. این بخش که مفصل‌ترین و عمده‌ترین تزئینات آبریز را به خود اختصاص داده‌است. شامل انواع تزئینات هم‌چون نقش‌های آدمیان (شکارچیان و جنگاوران)، جانوران شامل حیوانات متنوع و پرندگان و هم‌چنین نقوش گیاهی و گل و بوته‌های انتزاعی و اشکال هندسی، می‌باشد. از شش نوار تشکیل یافته که به‌صورت متناظر نوار نخست با نوار پنجم و نوار دوم با نوار چهارم به‌طور غالب به لحاظ ساختار و موضوع، یکسان است. اما محتوای نوار سوم و ششم متفاوت است. تمام نوارها شامل تزئینات گیاهی و هندسی و خط‌نگاره‌ها و هم‌چنین نقوش انسانی، حیوانی و پرندگان است. نوار نخست شامل تزئینات نوشتاری و کتیبه‌ای دعایی به خط کوفی در زمینه‌ای از تزئینات گیاهی - گل و بوته است. متن کتیبه عبارت "الوقار والسلامه والرعايه والبرکه" می‌باشد. زیر این نوار، فضای نوار دوم است که از منظر موضوعی شبیه به نوار پنجم بوده با این تفاوت که از نظر وسعت فضا، کمی کوچک‌تر از آن به‌نظر می‌رسد. در نوار دوم و به‌تناوب ردیفی از هشت نگاره هشت-پَر، که با دایره‌هایی کوچک‌تر و منقوش به نقش خورشید (تصویر ۹) به‌هم متصل شده‌است، حکاکی، کنده‌کاری و نقش‌پردازی شده‌است. نقش‌مایه خورشید که واصل نگاره‌ها در زنجیره نوارهای مختلف در آبریز مذکور و دیگر ظروف موصلی نقش‌پردازی شده‌است، هم‌چون دیگر موضوعات (شکار و نبرد) و نقش‌مایه‌های ایرانی نظیر مرواریدهای ساسانی از هنر ایرانی و به‌طور خاص هنر سلجوقی و مکتب فلزکاری خراسان الگوبرداری شده‌است. رالف هراری^۱ هنر پژوه معروف هنر اسلامی و ایرانی بر این باور است که «این شیوه و سبک [نقش‌پردازی] در ایران [خراسان] معروف بوده‌است» (Harari, 1939, p.2496).



تصویر ۹: نقش‌مایه خورشید در نوار دوم و پنجم بدنه آبریز

زمینه اصلی هشت نگاره از بافتی از نقش‌مایه (T) شکل تشکیل یافته و درون آن انواع صحنه‌ها و موضوعاتی نظیر نبرد (فرد با فرد و فرد با حیوان)، به‌صورت تن به تن و هم به-صورت پیاده و هم سوار بر اسب، شکار (شکارچی هم به‌صورت پیاده و هم سوار بر اسب در حال شکار حیوانات نظیر خرس و پرندگان)، مرد اسب سوار و قوش (شاهین یا باز بر دست)، حاکم (سلطان) نشسته و جام شراب در دست در حال می‌گساری، کنده‌کاری شده‌است. این موضوعات هر یک دو بار تکرار شده‌است (تصویر ۱۰). مواد به‌کار رفته در ترصیع‌کاری نوار مذکور، نقره و مس سرخ‌فام است. هم‌چنین برای پُر کردن شکاف‌هایی که با این مواد پر نشده‌است از ماده‌ای سیاه‌رنگ استفاده شده‌است.



تصویر ۱۰: موضوعات مختلف (شکار، نبرد، می‌گساری و اسب‌سوار پرنده در دست در نوار دوم (منبع: موزه ویکتوریا و آلبرت لندن)

در نوار شماره سه (تصویر ۱۱)، به‌لحاظ محتوا و ترکیب‌بندی، از دیگر نوارها متفاوت است. این نوار دارای موضوع شکار و نبرد با صحنه‌های متنوع است که در بین آن‌ها، یک هشت ضلعی با بافت (T) شکل قرار گرفته است. در این نوار و صحنه‌های آن هنرمند سعی کرده از تمام فضا نهایت بهره را ببرد و فضایی پر کار را نقش‌پردازی نماید. هم‌چنین از جنبه‌های خیالی (سگ بال‌دار، هارپی - سر انسان با بدن پرنده) و نمادین (عناصر و نمادهای مربوط به نجوم) برجسته‌تری بهره ببرد. در این نوار حضور حیوانات به‌ویژه شیر، گرگ، سگ، خرگوش و دیگر جانوران خیالی و غریب، چشم‌گیرتر است.

1. Ralph Harari



تصویر ۱۱: موضوع شکار و نبرد با فرم و ترکیب‌بندی متنوع در دست در نوار سوم (منبع: پیشین)

نوار شماره چهارم، که در حقیقت پهن‌ترین و عمده‌ترین بخش تزئین بدنه آبریز را به خود اختصاص داده است. این نوار نیز هم-چون نوار دوم، دارای ده نگاره هشت پر نسبتاً بزرگ و ساختار و محتوای این نگاره‌ها با دایره‌های واصل بین آن‌ها و هم‌چنین ماده سازنده یعنی مس سرخ‌فام و نقره، شبیه به نوار یاد شده است. موضوعات درون نگاره‌های این نوار در زیر مورد بررسی، تحلیل و توصیف قرار می‌گیرد. نگاره نخست: موضوع این نگاره موسیقی و نوازندگی است. فردی نی و دیگری عود می‌نوازد. به‌طور کلی شمایل و چهره انسان‌های نقش‌پردازی شده بر بدنه آثار فلزی موصلی و خاصه این آبریز از سنت تصویرگری ترکی- مغولی و لباس آن‌ها (جبه یا بالاپوش و دستار) از سنت عربی، تبعیت می‌کند. چه این‌که هاله‌ای از نور دور سر آن‌ها را فراگرفته که سنتی برگرفته از جهان ایران باستان و ریشه در آیین میترائیسم داشته است. گفتنی است که «اغلب این خصوصیات در بیش‌تر نگاره‌های مکتب نگارگری عربی و معاصر با این آثار فلزی وجود دارد» (الباشا، ۱۹۵۹، ۱۲۷). هم‌چنین زمینه درونی نگاره‌ها مملو از تزئینات گیاهی، گل و بوته و پیچک‌های اسلیمی و انتزاعی است (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۲: از چپ به راست نگاره‌های اول، دوم و سوم با موضوع موسیقی، نبرد و شکار (منبع: پیشین)

نگاره دوم با موضوع نبرد تن به تن است. در این نگاره دو نفر یکی سوار و دیگری پیاده که در حال مبارزه با یکدیگر هستند. سلاح هر دو شمشیر و سپر است. به‌طور کلی نبرد تن به تن در حالت‌های گوناگون سواره یا پیاده، یکی از موضوعات آثار فلزی موصل و به‌طور خاص آبریز مورد مطالعه است. «این موضوع در واقع نوعی از دلاوری و جنگجویی است که عرب‌ها آن‌را هم‌چون بخشی از زندگی روزانه خود تمرین می‌کنند» (العبدی، ۱۳۹۰، ۶۹). موضوع نگاره سوم شکار است. در این نگاره فردی با وقار و عمامه به‌سَر در طرف چپ نگاره دیده می‌شود که کمانی در دست راستش دارد و دست دیگرش را دراز است. در کنار او شخص دیگری قرار دارد که ظرف را تقدیم او می‌کند و احتمال می‌رود که این صحنه بخشی از یک صحنه شکار است (تصویر ۱۲).

در نگاره چهارم با موضوع موسیقی و احیاناً آوازخوانی مواجه‌ایم. در این نگاره دو بانوی نشسته را می‌بینیم که یکی در حال عودنوازی و دیگری در حال دایره یا دایره است. جالب آن‌که بانوی سمت راست ماسکی بر صورت دارد. که این نیز یکی از سنت‌های قدیم عربی بوده است. نگاره پنجم با موضوع ساریبان است. در این نگاره بانویی باوقار که گویی شاه‌زاده یا اشراف‌زاده باشد با هاله‌ای دور سر، سوار بر شتری زنگوله به گردن است. فرد دیگری نیز به‌نظر می‌رسد که سوار بر شتر است در حالی که او می‌بایست پیاده باشد از این‌رو هنرمند فلزکار وی را برای دیده شدن در مناسب‌ترین نقطه ترنج قرار داده است. چه این‌که در سنت عربی و اسلامی برای سوار شدن بر روی یک مرکب، زن عقب و مرد جلو سوار می‌شود. اما فرد سوم که در حال کشیدن افسار شتر است، ساریبان است. از گردن شتر زنگوله‌ای آویزان است. به‌ظاهر این صحنه حاکی از سفر در بیابان است. از این‌رو که عرب‌ها در سفرهای بیابانی خویش از شتر استفاده می‌کنند. در نگاره ششم نیز با موضوع شکار مواجه‌ایم. دو نفر بر روی شتری سواراند و البته

شتر بر عکس شتر نگاره پیشین در سمت چپ در حرکت است. شخصی که در جلو سوار است تیرش را به سوی آهویی نشانه گرفته که سرش را برگردانده است. نفر دوم به نظر می‌رسد، زنی است که پشت سر تیرانداز سوار است و درحال نواختن عود است. این صحنه نیز الگوبرداری از داستان بهرام گور و آزاده معشوقه‌اش باشد که از هنر ساسانی به هنر سلجوقی در دوران اسلامی و از آن‌جا به هنر فلزکاری و آثار فلزی موصل رسیده است. در پائین نگاره سگی دیده می‌شود که درحال دویدن است (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۳: از چپ به راست نگاره‌های چهارم، پنجم و ششم با موضوع موسیقی، ساربان و شکار (منبع: پیشین)

موضوع نگاره هفتم، هم به نظر می‌رسد شکار است که باز هم به واسطه ژست و حالت شکارچی، الگوبرداری از نظام و سنت شکار پادشاهان ساسانی است. در این نگاره علاوه بر شکارچی و اسب، یک پلنگ شکاری و دست‌آموز بر روی کفل اسب و یا کنار دیده می‌شود که نگاهی به سوی شکار دارد. هم‌چنین آهویی درحال فرار و سگی در پایین نگاره و پرنده‌ای که گویی مرغابی است در جلو اسب دیده می‌شود. اما در نگاره هشتم با موضوعی متفاوت مواجه‌ایم. موضوعی از جنس صحنه‌های زندگی زنان درباری، کاخ‌نشین و اعیانی. که در این‌جا بخشی از آن به تصویر درآمده است. در این نگاره زنی با هاله‌ای دور سر دیده می‌شود که درحال نگاه کردن به آینه است و کنیزی که بالای سر او ایستاده است و وسیله یا بزاری مربوط به آرایش کردن در دست دارد. به نظر می‌رسد که جعبه آرایش باشد که به صورت چند ضلعی است. در بالای نگاره جامی دیده می‌شود. صحنه مشابه این نگاره بر روی آبریز احمد زکی النقاش موصلی می‌توان دید که در موزه کلیولند نگهداری می‌شود. موضوع نگاره نهم نیز شکار است. در این نگاره یک شکارچی با همان الگوی شکار شاهان ساسانی بر روی اسب نشسته و رو به عقب برگشته و با سلاح تیر و کمان در حال شکار یک گرگ (دهان او را نشانه رفته)، می‌باشد (تصویر ۱۴).



تصویر ۱۴: از چپ به راست نگاره‌های هفتم، هشتم و نهم با موضوع شکار، آرایش کردن و شکار (منبع: پیشین)

نگاره دهم که به نظر می‌رسد موضوع آن دربار یا مجلس سلطان یا حاکم است. در این نگاره و در طرف چپ، فردی با ریش بلندی بر روی تخت نشسته و نفر دومی که گویی ملازم یا محافظ و نگهبان است در طرف راست نگاره ایستاده است و نفر سومی که او نیز دارای ریش بلندی است و به صورت نشسته (سجده یا رکوع) دیده می‌شود که درحال بوسیدن دست راست فرد سلطان، حاکم و یا انسانی عالی مقامی است^۱ که از جایگاه اجتماعی بالایی برخوردار است (تصویر ۱۵).

۱. صحنه‌ای تقریباً شبیه به این موضوع بر بدنه آبریز ساخت یونس بن یوسف موصلی دیده می‌شود. هم‌چنین بر بدنه تشت (لگن) ساخت علی بن حمود موصلی و بر بدنه شمعدان منسوب به بدرالدین لؤلؤ. نک: هنرهای اسلامی، دیماندا.



تصویر ۱۵: نگاره دهم با موضوع درباری- دست بوسی فرد سلطان، حاکم یا انسان والامقام (منبع: پیشین)

نوار پنجم، فضایی باریک با عرض ۲/۵ سانتی‌متر و حاوی کتیبه‌ای دعایی با خط کوفی است که در زمینه‌ای از گل و بوته‌های گیاهی و تصاویر آدمی و نقوش حیوانات با دو صورت طبیعی و افسانه‌ای و تصاویری از پرندگان در حالت‌های نزدیک به هم و در قالب گروهی، قرار دارد. مضمون کتیبه بدین گونه است: «العز و البقاء و الراحة و الوقار و العصمه و البرکه و السلامه/ والعافیه والبرکه و الوقار و/ الغبطه و الیمن علیها و الحمد(?) و الرفعه و الر/ عایه لصاحبه. یعنی سربلندی، ماندگاری، آسایش و متانت، بی‌آلایشی، برکت، سلامت/ تندرستی، برکت، وقار/ غبطه، مبارکی، سپاس، ارجمندی و پشتیبانی[خدا] از آن صاحبش باد». هم‌چنین علاوه بر خطنگاره‌ها، اشکالی دایره‌ای شکل که درون آن‌ها مزین به نقوش (Z) و (Y) است، در میان تزئینات یاد شده به چشم می‌خورد (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۶: بخشی از نوار پنجم با محتوای تزئینات گیاهی، هندسی و خطنگاره‌ها (منبع: پیشین)

نوار ششم، آخرین نوار بر بدنه آبریز است که در بخش انتهایی آن حکاکی و کنده‌کاری شده و «دارای تزئیناتی از نوعی گل تقریباً شبیه به گل نیلوفر(لوتوس) ساده است» (العبيدی، ۱۳۹۰، ۶۷). این گل‌های سه پر به صورت فشرده و مترکم و وارونه تمام فضای نوار را پر کرده است (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۷: بخشی از نوار ششم با محتوای تزئینات گیاهی و خطنگاره‌ها (منبع: موزه ویکتوریا و آلبرت)

نتیجه‌گیری

مکتب فلزکاری موصل، یکی از مهم‌ترین مکاتب هنر فلزکاری است که در اوج تمدن اسلامی به حد اعلاي خویش رسید. برجستگی این مکتب هم به لحاظ فنون ساخت، کاربرد و شیوه‌های تزئین و ام‌دار این فرآیند در ایران و مکتب فلزکاری خراسان و سایر کانون‌های شرق و شمال شرق تمدن ایران عصر سلجوقی است. چه این که منطقه موصل خود هم‌جوار مناطق آشور، نینوا و الحضر بود که همگی در هنر فلزکاری مشهور بودند و هم‌چنین روزگاری بخشی از تمدن ساسانی بود که در هنر فلزکاری، ساخت و تولید انواع ظروف فلزی سرآمد تمدن‌های آن روزگار بود. علاوه بر این، هجرت بسیاری از هنرمندان فلزکار ایرانی و خراسانی تأثیر به‌سزایی در شکوفایی این مکتب داشت. به‌گونه‌ای که تولیدات موصلی ضمن برخورداری از تأثیرات ایرانی - هم در پیش از اسلام و هم پس از اسلام - به‌ویژه در شیوه‌های پرداخت و تزئین و موضوعات تزئین، دارای شخصیتی مستقل و عربی‌گون است. مکتب فلزکاری موصل در امتداد همین اوج و شهرت بود که توانست به‌عنوان یک هنر پیش‌رو در جهان اسلام آن روزگار، فلزکاری شام (دمشق) و مصر (قااهره) را از طریق هنرمندان مهاجر خود به آن مناطق، مورد تأثیرپذیری از خود قرار دهد و باعث شکل‌گیری کانون‌های تولید آثار فلزی در این مناطق شود. بیش‌ترین تولیدات و آثار به‌دست آمده از این مکتب، شامل شمعدان، آبریز، صندوقچه، سینی، جوهردان، پارچ (گلاب‌پاش)، تشت (لگن) و گلدان می‌باشد که توسط برجسته‌ترین هنرمندان این مکتب هم‌چون

شجاع بن منعه موصلی، اسماعیل بن ورد موصلی، احمد ذکی النقاش موصلی، عمر بن جلدک موصلی، ایاس موصلی، عبدالکریم ترابی موصلی، قاسم بن علی موصلی، یونس بن یوسف موصلی، ابراهیم بن موالیبا، علی بن عبدالله علوی موصلی، ابوبکر بن حاج جلدک موصلی، داوود بن سلامه، ابن فتوح موصلی، علی بن حمود موصلی، علی بن کسیران موصلی، علی بن حسین بن موصلی و احمد بن باره موصلی.

چنین که از شواهد و آثار شجاع بن منعه موصلی بر می آید، این هنرمند برجسته ترین هنرمند فلزکار موصلی است که توانست در دوران حیات هنری خویش، برجسته ترین آثار را از حیث نفاست و زیبایی و کاربرد برای طبقه اشراف و به طور خاص دربار سلاطین آل زنگی به ویژه بدرالدین لؤلؤ، خلق نماید. آبریز مورد پژوهش در این مقاله، یکی از زیباترین و منحصر به فردترین و برجسته ترین آثار فلزی مکتب فلزکاری موصلی و شجاع بن منعه موصلی است و تنها اثری است که نام موصلی بر آن کنده کاری شده است. ویژگی آثار موصلی در مؤلفه های متنوعی همچون فنون ساخت و تزئین و موضوع آن قابل توضیح است. فن ساخت آثار این مکتب، شیوه ریخته گری است که در موصلی به بهترین نحو ممکن اجرا می شد. همچنین شیوه های تزئین که به صورت های گوناگون اجرا می شد. ترصیع کاری یا در حقیقت خاتم کاری فلز با فلزاتی نظیر مس سرخ، نقره و طلا به شیوه های هنرمندانه، پُرکاری های ظریف و با پیچیدگی های فنی از برجسته ترین شیوه های تزئین مکتب موصلی است که با سعه صدر هنرمند، بر بدنه آبریز مذکور نقش اندازی شده است. هنرمند با استفاده از کیفیت مطلوب فلز نقره به ترصیع کاری بر زمینه آبریز که از جنس برنج است، اهتمام ورزیده است. نقره از پرکاربردترین فلزات مورد استفاده در آثار فلزی موصلی است. یکی از تجربیات و کیفیات دیداری (بصری) در تزئین آثار موصلی، انتخاب کادرها یا فضاهای افقی برای نقش پردازی است که بدون استننا در همه آثار نمایش تزئین و کنده کاری عناصر و نقش مایه های تزئینی بر بدنه اثر، در نوارهای افقی رخ نموده است و البته این متناسب و همراه با فضا و شکل اثر بوده است. انواع تزئین در آثار موصلی و به طور خاص آبریز مورد اشاره، عبارت است از: نقوش انسانی، جانوری، گیاهی، خوشنویسی و خطنگاره ها و اشکال هندسی است. هنرمند موصلی، به طور عمده از نقوش انسانی، جانوری و گیاهی و خوشنویسی بیشترین بهره را در تزئین و نقش پردازی اثر خویش برده است که نمود آن آبریز حاضر است. همچنین موضوعات روزمره زندگی نظیر موسیقی، دهقانی (کشاورزی)، نبرد، شکار، ورزش، آرایش کردن و نیز موضوعات درباری، از موضوعات غالب و عمده آثار فلزی موصلی و در سطحی آبریز شجاع بن منعه موصلی است. همچنین فضای نقش ها دارای رنگ و بوی عربی است که در غالب لباس های گشاد حاوی نوارهایی روی بازوان، نمود پیدا کرده است و نیز وجود دستارهایی که شیرازه های آن از عمامه های سر آویزان است. همچنین پوزبندی که بر دهان زنان است، در اغلب نگاره ها دیده می شود. یکی دیگر از ویژگی های خاص هنر عربی که در بیش تر آثار هنرهای اسلامی به ویژه آثار فلزی موصلی جلوه گر است.

منابع

۱. آیت الله زاده شیرازی، باقر، ۱۳۶۲، بررسی هنر فلزکاری در وران سلجوقی، مجله فرهنگ و هنر، شماره ۳، صص ۱۷۹-۱۶۴.
۲. الباشا، حسن، ۱۹۵۹، التصوير الاسلامی فی العصور الوسطی، بالقاهره، مطبعه لجنه البیان.
۳. العیبدی، صلاح حسین، ۱۳۹۰، آثار فلزی مکتب موصلی در عصر عباسی، ترجمه محمد افروغ و مسعود احمدی، تهران، انتشارات جمال هنر.
۴. بیانی، سوسن، ۱۳۸۲، گفتاری در مورد فلز و فلزکاری و باستانشناسی، گروه باستانشناسی، دانشگاه تهران.
۵. تالبوت رایس، دیوید، ۱۳۸۴، هنر اسلامی، ترجمه ماه ملک بهار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. حمزه لو، منوچهر، ۱۳۸۳، هنر قلمزنی در ایران، تهران، نشر دفتر پژوهش های فرهنگی.
۷. دیماند، موریس، ۱۹۵۸، الفنون الاسلامیه (هنرهای اسلامی)، مترجم به عربی احمد محمد عیسی، چاپ قاهره.
۸. کنبی، شیلار، ۱۳۹۳، جزئیاتی از هنر اسلامی، ترجمه افسون گر فراست، تهران، انتشارات فرهنگ سرای میردشتی.
۹. محمد حسن، زکی، ۱۹۵۵، مدرسه بغداد فی التصوير الاسلامی، جلد الاول، طبع و نشر بغداد.
۱۰. هاگه دورن، آنته، ۱۳۹۴، هنر اسلامی، ترجمه عطیه عصارپور، مسیح آذرخش، تهران، انتشارات یساولی.
۱۱. وارد، ریچل، ۱۳۸۴، فلزکاری اسلامی، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران، انتشارات مطالعات هنر اسلامی.
12. Harari, Ralph, 1939, Metalwork after the early Islamic period, in pope (A.U) Survey of Persian Art, III, London and Newyork.
13. Lane pool, Stanley ,1886, the art of the Saracens in Egypt , Chapman and Hall, London
14. Rice, Studies in Islamic Metalwork. Bull. school of oriental studies, part II, 1953, Vol.
15. Ward, Rachel, 1993, Islamic metalwork, Cataluga of Victoria and Albert museum, London.

Analysis on the Aesthetic Dimensions of the Shoja Ibn Mone Mosuli of pitcher

Abstract

metalwork of Art - industry in Mosul city, was one of the most important metalworking schools in the Islamic period, especially in the sixth century and the seventh century AH and during the reign of the Al-Zangi family, and in particular, Badr al-Dīn is the most important ruler of this family. artists and artisans of this period managed to exploit and influence the techniques of making and decorating metalwork from past civilizations And the adjacent Sassanid civilization was introduced into the Islamic world, and in particular the Seljuk civilization and the metalworker of Khorasan, Producing the best works by utilizing creativity and innovation in the construction and decorating of native identity, culture and customs of Mosul. among the famous Mosul products, one can mention the watersheds of this school, one of the most important products in the field of metal containers. Shoja bin Monet Mousali is one of the most prominent waterfalls in the Mosul metals School. which, in terms of cognitive and aesthetic and sociological and ethnological values, can be a good source for identifying the society and the people of Mosul in the seventh century AH. The water has been decorated with the most advanced casting technology and is decorated with the most qualitative decorative design, that is, silver coinage. Stories motif-playing are the kind of common themes of the time of Mosul society (aristocratic and sublime class). the threads on the body of the water are: Sport, music, dance, hunting, fighting and dressing. This paper is of fundamental type, descriptive-analytical research method and library information gathering method.

Keywords: Mousel, water, metallurgy, Shoja ibn mone Mousel

